

تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر فساد مالی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران

احمد جعفری صمیمی

استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

jafarisa@umz.ac.ir

علی صالحی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول

a.salehi@stu.umz.ac.ir

می‌شود. در ادامه با استفاده از مدل‌های اقتصاد سنجی و رویکرد داده‌های تابلویی ابتدا به بررسی اثر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر فساد مالی در ایران و سپس به بررسی اثر شاخص کل آزادی اقتصادی بر فساد مالی برای کشورهای در حال توسعه منتخب جهان در سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۱۱ پرداخته می‌شود. نتایج برآورد در ایران، حاکی از این است که هر چه قدر آزادی کسب و کار، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی از فساد و آزادی نیروی کار بیشتر باشد، فساد مالی نیز بیشتر است. همچنین هر چه آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی (مالیاتی) بیشتر باشد، فساد مالی کمتر است. در کشورهای در حال توسعه منتخب جهان نیز شاخص کل آزادی اقتصادی اثر منفی و معنی‌داری بر فساد مالی در این کشورها دارد.

آزادی اقتصادی / فساد مالی / داده‌های تابلویی /

کشورهای در حال توسعه / ایران

چکیده

فساد در هر جامعه‌ای، با هر نوع بینش و حکمرانی، اعم از دموکراسی، دیکتاتوری یا اقتصاد آزاد، واقعیتی غیر قابل انکار است که تنها در میزان و حدود آن تفاوت وجود دارد. در این مقاله ابتدا با استفاده از داده‌های موسسه بین‌المللی شفافیت [۱] و روش‌های اندازه‌گیری فساد (CPI) [۲] به رتبه‌بندی کشورها بر اساس میزان فساد در آن‌ها پرداخته می‌شود. همچنین با استفاده از داده‌های موسساتی از جمله: هریتیج و فریزر، به رتبه‌بندی کشورها با استفاده از ده شاخص آزادی اقتصادی که به‌طور میانگین، میزان آزادی اقتصادی [۳] معرفی می‌گردد، پرداخته

در ارتباط با فساد مالی (اقتصادی) در متون مختلف تعاریف متنوعی مطرح شده است. کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است. چیزی که شکسته و یا نقض می‌شود می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد [۴]. بنا به تعریف بانک جهانی فساد، سوء استفاده از قدرت دولتی برای تأمین منافع شخصی است. روشن است که همیشه سوء استفاده از قدرت و امکانات دولتی صرفاً برای تأمین منافع شخصی نیست، بلکه می‌تواند در راستای تأمین منافع یک حزب و یا تفکر سیاسی خاص، دوستان، فامیل و... باشد. فساد به طور کلی در ارتباط با فعالیت‌های دولتی و در جهت برخورداری برخی مدیران و کارکنان از اختیارات انحصاری تعریف شده است، همچنان که گری بکر (برنده جایزه نوبل) در بیان افراطی و حدی می‌گوید: اگر دولت را برداریم فساد هم برداشته خواهد شد. از دیدگاه بکر، عمده سهم فساد کشور مربوط به دولت است یا در دولت اتفاق می‌افتد، البته امکان فساد در بخش خصوصی هم وجود دارد. فساد مالی یک بیماری پیشرفته اقتصادی - اجتماعی است؛ بیماریی مانند سرطان یا ایدز که افزون بر متلاشی کردن سازمان از درون، به گونه بی‌رحمانه از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می‌کند، تا آنجا که همه نهادهای موجود را تضعیف کرده و به فروپاشی نظام سیاسی حاکم می‌انجامد. از طرفی آزادی اقتصادی و نگاه جامعه و حاکمان به آن از اصول تعیین کننده و بسیار مهم در رشد اقتصادی و مبارزه با فساد مالی است، که به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی در دایره قانون است. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج [۵] آزادی به عنوان: «نبود فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و از آنجایی که اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد، از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت «نبود تحمیل یا محدودیت

بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد [۶]. تجربه کشورهای مختلف، از باز یا بسته بودن اقتصادشان نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی کشورهای با اقتصاد آزاد، به مراتب بهتر از کشورهای با اقتصاد بسته است. درجه آزادی اقتصادی در ایران نشان‌دهنده سطح پایین کل شاخص و اجزای آن در ایران است. در نتیجه می‌توان ادعا کرد، یکی از عوامل تأثیرگذار بر جرایم اقتصادی و بخصوص فساد مالی در ایران، پائین بودن درجه آزادی اقتصادی می‌باشد. گارتنی [۷]، آزادی اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند که: «افراد دارای آزادی اقتصادی خواهند بود اگر: ۱- دارایی که کسب می‌کنند بدون استفاده از زور، تقلب و یا سرقت باشد و همچنین در برابر تجاوز دیگران حفظ گردد. ۲- افراد آزادند که دارایی‌هایشان را استفاده، مبادله و یا نگهداری کنند بدون آنکه موجب تضعیف حقوق دیگران گردد». توجه به دو تعریف ارائه شده برای آزادی اقتصادی نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی بین آنها وجود دارد، هر چند گارتنی آزادی اقتصادی را از جانب افراد یا تقاضا کنندگان آزادی تعریف می‌کند، اما در تعریف بنیاد هریتیج بر محدود کنندگان آزادی یعنی دولت تأکید شده است [۸].

با توجه به مطالبی که در بالا عنوان شد، این تحقیق درصدد بررسی اثر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر فساد مالی به صورت کلی و طبقه‌بندی شده است. شاخص‌های مورد استفاده در این تحقیق، شاخص‌های آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج و فریزر (استفاده شده در گزارش سالانه آزادی اقتصادی جهان) و شاخص فساد مالی مؤسسه بین‌المللی شفافیت می‌باشد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. آزادی اقتصادی

آمار مربوط به شاخص آزادی اقتصادی کشورها تقریباً از سال ۱۹۷۰ در مؤسسه فریزر و از سال ۱۹۹۵ در مؤسسه هریتیج موجود است. البته از ابتدا داده‌های مربوط به بسیاری از متغیرهای مورد استفاده این مؤسسه وجود نداشته؛ لیکن با گذشت زمان این داده‌ها تکمیل شده است. به لحاظ وجود چنین شرایطی مقایسه

وضعیت آزادی اقتصادی کشورها بین دوره‌های مختلف بی اعتبار خواهد بود؛ از این رو این مؤسسات برای انجام مقایسه، شاخص آزادی اقتصادی سال‌های مختلف را نسبت به سال ۲۰۰۰ (یعنی متغیرهای استفاده شده در این سال) که به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده، تعدیل کرده است. تهیه‌کنندگان این شاخص بر این باورند که اصلی‌ترین اجزای آزادی اقتصادی را انتخاب شخصی [۹]، حمایت از دارایی‌های خصوصی و آزادی مبادله تشکیل می‌دهد. بنابراین شهروندان یک جامعه در صورتی از آزادی اقتصادی برخوردارند که اولاً دارایی‌هایی که غیر از راه زور، فریب و سرقت به دست آورده‌اند، از تعرض دیگران در امان باشد، ثانیاً بتوانند آزادانه از این دارایی‌ها استفاده کرده، آنها را مبادله کنند و یا به دیگران ببخشند، در عین حال که با این آزادی، متعرض حقوق مشابه دیگر شهروندان نشوند. شاخص آزادی اقتصادی به صورت یک میانگین ساده از ده شاخص دیگر (آزادی اقتصادی) محاسبه می‌گردد. این ده شاخص بگونه‌ای انتخاب شده‌اند که هم روابط و عملکرد خارجی (External) کشورها را مد نظر قرار می‌دهند و هم به عملکرد و وضعیت داخلی (Internal) کشورها می‌پردازند. در شاخص آزادی اقتصادی تلاش شده است به میزان استقلال و آزادی افراد در مقابل دولت و سایر تشکل‌های سازمان یافته پرداخته شود. ده حوزه مورد استفاده برای محاسبه این شاخص عبارتند از:

۱. آزادی کسب و کار [۱۰]: که منظور توانایی خلق، اجرا (راه‌انداختن) و پایان دادن به یک حرفه به راحتی و آسانی است. با این تعریف بدیهی است که قوانین و مقررات زاید یک مانع جدی در این رابطه محسوب می‌شوند.
۲. آزادی تجارت [۱۱]: که از یک شاخص مرکب از محدودیت‌های تعرفه ایی و غیرتعرفه‌ای که بر صادرات و واردات اثر می‌گذارند، تشکیل شده است. برای محاسبه این شاخص از دو معیار اساسی متوسط وزنی تعرفه‌ها و محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای استفاده می‌شود.
۳. آزادی مالی [۱۲]: که حکایت از بار (محدودیت) ناشی از وجود دولت در زمینه درآمدها دارد. این شاخص طیف وسیعی

از بار مالیاتی ناشی از انواع مختلف مالیات بر درآمد را دربر می‌گیرد.

۴. اندازه دولت [۱۳]: این شاخص در واقع بیانگر مخارج دولت چه در زمینه هزینه‌های مصرفی و چه در خصوص پرداخت‌های انتقالی می‌باشد. در حالت ایده‌آل دولت می‌بایست به ارائه کالاهای عمومی با حداقل هزینه بپردازد.
۵. آزادی پولی [۱۴]: این شاخص تصویری از ثبات قیمت‌ها با نیم نگاهی به (ارزیابی) سیاست‌های کنترل قیمت‌ها، ارائه می‌نماید، چرا که هم تورم و هم سیاست کنترل قیمت‌ها اثرات اختلال‌زا در فعالیت‌های بازار دارند. اصولاً ثبات قیمت‌ها بدون دخالت‌های دولت یک وضعیت ایده‌آل می‌باشد.

۶. آزادی سرمایه‌گذاری [۱۵]: این شاخص به دنبال ارائه تصویری از آزادی جریان سرمایه به‌ویژه سرمایه خارجی است. در محاسبه این شاخص موارد زیر قرار می‌گیرند. اینکه آیا رویه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری در کشور وجود دارد؟ آیا دولت‌ها جریان سرمایه‌گذاری را در بسترهای عادلانه تشویق می‌نمایند؟ آیا محدودیت‌های ارزی در کشور وجود دارد؟ آیا بنگاه‌های خارجی و داخلی در زمینه سرمایه‌گذاری در شرایط یکسانی می‌باشند؟ آیا برخی بخش‌های اقتصادی بر روی سرمایه‌گذاران بسته می‌باشد؟

۷. آزادی (بازار) مالی [۱۶]: این شاخص معیاری برای امنیت شبکه بانکی بدون وجود کنترل‌های دولتی است. مالکیت دولت بر نهادهای مالی و از جمله بیمه‌ها و بازارهای سرمایه مصادیقی از ناکارایی‌ها می‌باشند.

۸. حقوق مالکیت [۱۷]: این شاخص به دنبال بیان این وضعیت می‌باشد که تا چه حد افراد می‌توانند دارایی‌های فردی جمع‌آوری نمایند و این تا چه اندازه تحت یک شرایط امن و در قالب قوانین و ضوابط رایج کشور صورت می‌پذیرد. این موضوع یکی از مهمترین مشخصه‌های اقتصاد بازار است، عبارت دیگر احترام و رعایت حقوق مالکانه یکی از مهمترین ویژگی‌های اقتصاد بازار است.

۹. آزادی از فساد [۱۸]: این شاخص به نوعی حکایت از وجود فساد اداری در فضای کسب و کار است. این شاخص از زیر شاخه‌های مختلف ایجاد شده است، مثلاً گروهی از کارشناسان نسبت به شیوع فساد به عنوان سوء استفاده در ادارات دولتی با هدف کسب منافع مالی شخصی قضاوت می‌نمایند.

۱۰. آزادی (نیروی) کار [۱۹]: این شاخص بیان می‌کند که تا چه حد افراد و مشاغل در تعامل با دولت آزادند و با حداقل محدودیت‌ها مواجه می‌باشند. در محاسبه این شاخص از مطالعات بین کشوری که توسط بانک جهانی در قالب پروژه Doing Business Study انجام می‌شود، استفاده می‌گردد. برای هر یک از این متغیرها بر اساس رابطه زیر عددی بین صفر و صد به دست می‌آید.

$$\frac{H_i - H_{\min}}{H_{\max} - H_{\min}} * 100 \quad (1)$$

که در آن، H_i مقدار متغیر در هر کشور، H_{\max} بالاترین مقدار متغیر در بین کشورها و H_{\min} کمترین مقدار در بین کشورها می‌باشد. همچنین از آنجایی که در این شاخص، اعداد بزرگتر نشانگر آزادی اقتصادی بیشتر هستند، برای متغیرهایی چون تورم که رابطه عکس با آزادی اقتصادی دارند از رابطه زیر استفاده می‌گردد.

$$\frac{H_{\max} - H_i}{H_{\max} - H_{\min}} * 100 \quad (2)$$

با محاسبه میانگین وزنی اعداد به دست آمده از ده متغیر اصلی مختلف، شاخص آزادی اقتصادی برای هر کشور به دست می‌آید که مقدار بین صفر تا صد خواهد داشت. هر قدر این عدد بزرگتر و به صد نزدیکتر باشد نشان از وجود آزادی اقتصادی بیشتر در آن کشور دارد. برای مثال در متغیر اندازه دولت هر قدر مصرف، مالیات‌ها و سوبسیدهای دولت کمتر باشد، امتیازی که شاخص هریتیج به آن می‌دهد بیشتر است.

۱-۱-۱. آزادی اقتصادی در ایران

آمار مربوط به شاخص آزادی اقتصادی ایران از سال ۱۹۷۰

در مؤسسه فریزر و از سال ۱۹۹۵ در مؤسسه هریتیج موجود است. [۲۰] البته از ابتدا، داده‌های مربوط به بسیاری از متغیرهای مورد استفاده این مؤسسه وجود نداشته؛ لیکن با گذشت زمان این داده‌ها تکمیل شده است. به لحاظ وجود چنین شرایطی مقایسه وضعیت آزادی اقتصادی کشورها بین دوره‌های مختلف بی‌اعتبار خواهد بود؛ این مؤسسه برای انجام مقایسه، آزادی اقتصادی سال‌های مختلف را نسبت به سال ۲۰۰۰ (یعنی متغیرهای استفاده شده در این سال) که به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده، تعدیل کرده است. در جدول (۱) اندازه کل شاخص آزادی اقتصادی ایران و رتبه ایران بین ۱۸۳ کشور مورد بررسی قرار گرفته و اندازه ده زیر بخش اصلی شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج از سال ۲۰۰۰-۲۰۱۰ و پنج زیر بخش اصلی شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر از سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۵ آمده است. از آنجا که تا سال ۲۰۰۰ اندازه شاخص به طور پنج سال یک بار ارائه شده آمار مربوط به آزادی اقتصادی ایران نیز در این دوره به همان صورت وجود دارد. وضعیت این شاخص در سال‌های قبل از انقلاب نسبت به بعد از انقلاب بهتر بوده است. در سال‌های پس از انقلاب به علت ایجاد تغییراتی مانند ملی کردن بانک‌ها و برخی مصادره‌ها و همچنین وقوع جنگ و گسترده شدن حجم دولت، وضعیت این شاخص برای ایران بدتر شده، ولی تقریباً از سال ۱۳۷۲ به بعد با آغاز دوره سازندگی و اجرای سیاست‌های تعدیل، آزادی اقتصادی کشور روند صعودی به خود گرفته است. کاهش امتیاز برخی از عوامل نظیر آزادی مبادله با خارجی‌ان و همچنین قوانین مربوط حقوق مالکیت خصوصاً در سال‌های پس از انقلاب تأثیر به‌سزایی بر کاهش درجه آزادی اقتصادی کشور داشته است. در سال‌های اخیر اصلاح قوانین و مقررات و همچنین کاهش موانع موجود بر مبادلات (کاهش هزینه‌های تعرفه) و ... تأثیر زیادی بر افزایش آزادی اقتصادی کشور داشته است. لیکن، هنوز هم امتیاز مربوط به آزادی اقتصادی به مقدار اولیه خود یعنی ۶۵ در سال ۱۹۷۰ نرسیده است.

جدول ۱- وضعیت آزادی اقتصادی ایران بر حسب عوامل تشکیل دهنده شاخص آزادی اقتصادی هریتیج و فریزر برای ایران

شاخص‌های آزادی اقتصادی										کل شاخص آزادی اقتصادی EFI		سال	
LF	FFC	PR	FMF	IF	MF	GS	FF	TF	BF	رتبه	درجه	شمسی	میلادی
-	-	۴۷	-	-	۸۵	۶۵	-	۶۲	-	۱۹	۶۵	۱۳۴۹	۱۹۷۰
-	-	۴۴	-	-	۶۷	۵۲	-	۸۱	-	۱۷	۶۱	۱۳۵۴	۱۹۷۵
-	-	۱۸	-	-	۶۹	۴۶	-	۳۰	۳۹	۹۳	۴۰	۱۳۵۹	۱۹۸۰
-	-	۲۳	-	-	۸۱	۴۳	-	۲۳	۳۴	۹۳	۴۱	۱۳۶۴	۱۹۸۵
-	-	۲۲	-	-	۸۷	۴۶	-	۴۰	۳۵	۹۴	۴۶	۱۳۶۹	۱۹۹۰
-	-	۵۶	-	-	۳۹	۵۴	-	۴۰	۳۶	۱۰۷	۴۵	۱۳۷۴	۱۹۹۵
-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷/۶	۷۹/۷	۴۱/۳	۵۱/۴	۵۵	۹۵	۳۶/۱	۱۳۷۹	۲۰۰۰
-	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۵۷/۲	۸۲/۷	۴۱/۳	۶۲	۴۰	۷۷	۳۵/۹	۱۳۸۰	۲۰۰۱
-	۱۰	۱۰	۱۰	۳۰	۵۹/۵	۷۹/۷	۴۰/۹	۴۷/۲	۴۰	۷۷	۳۶/۴	۱۳۸۱	۲۰۰۲
-	۱۰	۱۰	۱۰	۳۰	۶۲/۳	۸۹/۶	۶۴/۲	۷۲/۸	۴۰	۸۱	۴۳/۲	۱۳۸۲	۲۰۰۳
-	۱۰	۱۰	۱۰	۳۰	۶۱/۷	۸۰/۲	۶۴/۲	۷۸/۸	۴۰	۷۸	۴۲/۸	۱۳۸۳	۲۰۰۴
۷۶/۴	۳۰	۱۰	۱۰	۳۰	۶۰/۱	۸۹/۳	۸۱/۲	۷۸/۸	۴۰	۹۴	۵۰/۵	۱۳۸۴	۲۰۰۵
۵۳	۲۹	۱۰	۱۰	۱۰	۶۰/۱	۸۹/۶	۸۱/۲	۵۵/۴	۵۶/۱	۹۸	۴۵	۱۳۸۵	۲۰۰۶
۵۲/۵	۲۹	۱۰	۱۰	۱۰	۶۲	۸۴/۵	۸۱/۲	۵۵/۴	۵۵/۴	۱۰۶	۴۵	۱۳۸۶	۲۰۰۷
۵۳/۱	۲۷	۱۰	۱۰	۱۰	۶۱/۳	۸۴/۵	۸۱/۲	۵۷/۴	۵۵/۸	۱۰۷	۴۵	۱۳۸۷	۲۰۰۸
۵۲/۴	۲۵	۱۰	۱۰	۱۰	۶۰/۱	۷۹/۷	۸۱	۵۷/۴	۶۰/۶	۱۶۸	۴۴/۶	۱۳۸۸	۲۰۰۹
۵۵/۱	۲۳	۱۰	۱۰	۰	۵۴/۷	۷۹/۶	۸۱/۱	۵۰/۲	۶۹/۹	۱۶۸	۴۳/۴	۱۳۸۹	۲۰۱۰
۵۰/۷	۱۸	۱۰	۱۰	۰	۶۰/۷	۷۶	۸۱/۱	۴۴/۸	۶۹/۴	۱۷۱	۴۲/۱	۱۳۹۰	۲۰۱۱
۵۱/۵	۲۲	۱۰	۱۰	۰	۶۲	۷۶/۹	۸۰/۶	۴۵/۷	۶۴/۸	۱۷۱	۴۲/۳	۱۳۹۱	۲۰۱۲

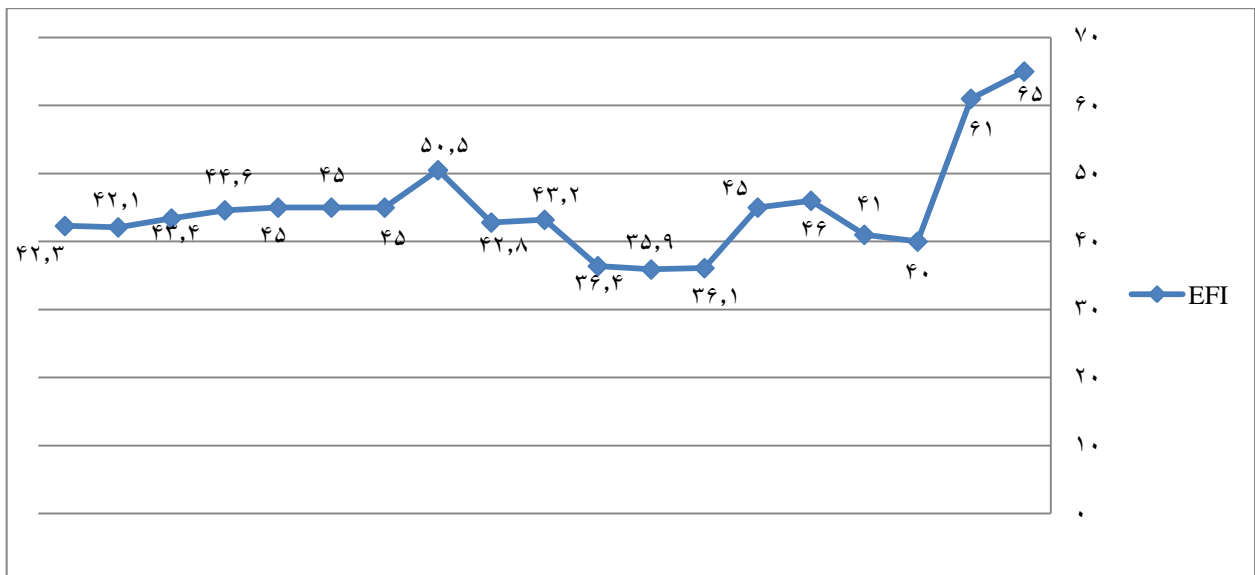
منبع: با توجه به داده‌های مؤسسات هریتیج (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲) و فریزر (۱۹۷۰-۱۹۹۵) توسط محقق پردازش شده است. [۲۱]

کره شمالی.

در نمودار شماره (۱) وضعیت آزادی اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ نمایش داده شده است. همان‌طور که می‌بینید از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲، اقتصاد ایران از لحاظ آزادی در وضعیت ثابتی بوده و طی این سال‌ها، بهبودی مشاهده نمی‌شود. در سال ۲۰۰۳ رشد قابل توجهی داشته تا اینکه در سال ۲۰۰۵، امتیاز ایران در این شاخص به بیش از ۵۰ می‌رسد. متأسفانه در سال ۲۰۰۶ با افت ۵ امتیازی مواجه شده و روند شاخص تا سال ۲۰۰۸ ثابت می‌ماند. در سال‌های بعد نیز این روند افت شاخص ادامه پیدا می‌کند تا جایی که در سال ۲۰۱۲ مقدار این شاخص به ۴۲٫۳ می‌رسد. به‌طور کلی نمودار زیر نشان می‌دهد جهت‌گیری ایران به سمت اقتصاد آزاد بسیار کند است.

بر اساس امتیاز نهایی به دست آمده در سال ۲۰۱۲ وضعیت

اقتصادی کشورها به پنج طبقه تقسیم شده است. که به ترتیب عبارتند از: اقتصاد آزاد (امتیاز ۸۰ تا ۱۰۰)، اقتصاد تقریباً آزاد (امتیاز ۷۰ تا ۷۹)، اقتصاد آزاد متوسط (امتیاز ۶۰ تا ۶۹)، اقتصاد تقریباً بسته (امتیاز ۵۰ تا ۵۹) و اقتصاد بسته (امتیاز زیر ۵۰). با توجه به این طبقه‌بندی بیشتر کشورها در دو طبقه اقتصاد آزاد متوسط و تقریباً بسته قرار دارند. رقابت بر سر پیشی گرفتن در این دو طبقه بین کشورها فشرده و بالاست. متأسفانه ایران با امتیاز ۴۲/۳ در طبقه آخر قرار گرفته و دارای اقتصادی غیر آزاد یا بسته است. بدتر آنکه ایران در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ در بین ۱۸۳ کشور جهان در رتبه ۱۷۱ام جهان قرار گرفته است. در واقع تنها دوازده کشور از لحاظ آزادی اقتصاد، وضعیتی بدتر نسبت به ایران دارند. برخی از این کشورها عبارتند از: جمهوری کنگو، اریتره، لیبی، زیمبابوه و



نمودار ۱- وضعیت آزادی اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲

۱-۱- فساد مالی (اقتصادی)

با اهمیت یافتن مبارزه با فساد از سوی سازمان‌های بین‌المللی، چگونگی اندازه‌گیری آن مورد توجه قرار گرفته است. هر چند بررسی علل و عوامل فساد مالی در علم اقتصاد، تقریباً به ۴۰ سال قبل باز می‌گردد، زمانی که اقتصاددانان موضوع رانت جویی را مطرح کردند و فعالیت‌های رانت جویی غیرقانونی، فساد مالی نامیده شد [۴]. تعریف کارکردی فساد مالی از نظر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مراجع دیگر، سوء استفاده از قدرت دولتی برای کسب منافع شخصی است [۲۲]. رزاکرمن [۲۳] و شیلفر و ویشنی [۲۴] فساد مالی را پرداخت غیرقانونی کارگزاران بخش عمومی برای کسب منفعتی که استحقاقش را ندارند، یا سوءاستفاده کارمندان دولت برای منفعت خصوصی، تعریف می‌کنند [۲۵]. فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که شناخت همه جانبه این عوامل، از پیش نیازهای مبارزه جدی با فساد مالی است. از نظر تانزی، عوامل مؤثر بر فساد مالی در بخش دولتی به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند. عواملی که به طور مستقیم در بروز فساد مالی نقش دارند، عبارتند از: مقررات و اختیارات دولت، مقررات مالیاتی، تصمیم‌گیری‌های مربوط به مخارج دولت، عرضه کالا و خدمات در زیر قیمت‌های بازار و تصمیم‌هایی که در جهت مصلحت و تأمین

مالی احزاب باشد. عواملی که به طور غیر مستقیم بر فساد مالی مؤثرند، شامل کیفیت بروکراسی، سطح دستمزدهای بخش عمومی، نظام مجازات، کنترل‌های نهادی، شفافیت قواعد، قوانین و فرآیندها، و الگوی رفتار رهبران می‌باشند [۲۶]. پائولو مائورو ریشه‌های فساد مالی در بخش دولتی را محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های دولت، کنترل‌های قیمتی، نرخ چند گانه ارز و برنامه تخصیص آن، دستمزدهای پایین بخش دولتی، ذخایر منابع طبیعی و عوامل جامعه شناختی بیان می‌کند [۲۷]. بنکلاس پاساس علل وقوع فساد مالی را در عدم تقارن اطلاعات از جمله عدم تقارن مقررات در بانکداری و نظام مالیاتی؛ عدم تقارن‌های اجرایی در نظام اداری ناکارآمد؛ و عدم تقارن‌های اقتصادی از ناحیه توزیع درآمد می‌داند که این عدم تقارن‌ها، بازار کالاها و خدمات غیرقانونی را تغذیه می‌کند؛ شفافیت‌ها را کاهش می‌دهد؛ مانع حسابرسی جهت کنترل فعالیت‌های غیرقانونی می‌شود؛ سبب افزایش انگیزه اقدامات و معاملات غیرقانونی می‌گردد؛ و در بخشی از جامعه ایجاد یأس می‌کند و توجیه فساد مالی برای باز توزیع ثروت را تقویت می‌سازد. عدم تقارن عرضه و تقاضا به دلیل مداخله در بازار از طریق اجرای سیاست‌های حمایتی مانند یارانه یا کنترل قیمت ایجاد می‌شود و شرایط لازم را برای انواع قاچاق کالا فراهم می‌سازد. بنابراین عدم تقارن اطلاعات زمینه ساز بروز فساد مالی

است [۲۸]. گسترده‌ترین و مفصل‌ترین راهبردهای مبارزه با فساد مالی توسط بانک جهانی مطرح شده است. این سازمان در تدوین شاخص سیاست‌گذاری، توصیه می‌کند که یک راهبرد مؤثر ضد فساد مالی می‌باید: ۱- رانته‌ها را به وسیله آزادسازی اقتصادی، کاهش مقررات، ساده سازی قوانین مالیاتی، انحصارزدایی و تثبیت اقتصاد کلان از بین ببرد. ۲- اختیارات خودسرانه را از طریق اصلاح بخش اجرایی و اداری از جمله شایسته‌گزینی و تمرکززدایی کاهش دهد. ۳- قابلیت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را با روش‌های زیر افزایش دهد: تأسیس نهادهایی مانند واحدهای حسابرسی و حسابداری، اصلاحات قانونی نظیر حسابرسی و حسابداری، تشویق نظارت عمومی از طریق مجلس و جامعه مدنی هوشیارتر و حساس‌تر. موارد یک و دو به طور عمده تعداد احتمالی وقوع فساد مالی در یک اقتصاد را کاهش می‌دهد و مورد سه بر احتمال افشا و دستگیری فاسدان تأکید دارد. [۲۲]

۳-۱. اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی

با توجه به تعاریف، عوامل و راهبردهای بیان شده از فساد مالی و تعاریف و شاخص‌های آزادی اقتصادی که در برگیرنده جوانب مختلف آزادی اقتصادی است، این بخش به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی می‌پردازد. آزادی در تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، فقدان مقررات اضافی بر نیروی کار، اعتبار و تجارت، شفافیت در عملکرد و قوانین دولت، وجود پول سالم، دستگاه قضایی مستقل و آزادی مبادله و تجارت با خارجیان سبب کاهش تمامی گونه‌های فساد مالی از جمله رشوه، اختلاس، اخاذی، تبعیض‌گرایی، قوم‌گرایی و تقلب می‌گردد. اگر افراد به راحتی بتوانند مجوزهای لازم برای انجام کارهای اقتصادی خود را بگیرند، در شرایط رقابتی قرار داشته باشند و دولت مکانیسم بازار را مختل نکرده باشد فساد مالی تا حد زیادی کاهش می‌یابد. عدم نیاز به ارتباط با کارمندان دولتی برای انجام کارها و یا فقدان قوانین و مقررات سخت‌گیرانه سبب کاهش رشوه و تبعیض‌گرایی می‌گردد. تانزی معتقد است که در بسیاری موارد وجود مقررات باعث ایجاد فساد مالی می‌گردد. یکی از بخش‌های اصلی شاخص آزادی اقتصادی، اندازه دولت است. نقش دولت در فساد مالی بسیار

تعیین‌کننده است. گری بکر برنده جایزه نوبل اقتصاد در بیان افراطی و حدی می‌گوید: در صورت حذف دولت، فساد مالی نیز از بین می‌رود [۲۵]. این جمله با تعاریفی که از فساد مالی صورت گرفت کاملاً مطابقت دارد زیرا همان‌گونه که بیان شد؛ فساد مالی، استفاده از پست دولتی برای به دست آوردن منافع شخصی است و اگر بخش دولتی وجود نداشته باشد، فساد صورت نمی‌گیرد. البته در شرایط واقعی، چنین امری محال است و بکر فقط در صدد بیان اهمیت فوق‌العاده دولت در ایجاد فساد مالی است. از آنجایی که انتظار حذف کامل دولت، واقع بینانه نیست، انتظار حذف کامل فساد مالی نیز واقع بینانه نمی‌باشد. فساد مالی در جایی که محدودیت و مداخله دولت سبب ایجاد یک سود نامعقول می‌گردد، افزایش می‌یابد و همچنین ایجاد قدرت انحصاری برای کارمندان دولتی به منظور دادن مجوزهای مختلف به بخش خصوصی سبب می‌شود این کارکنان به آسانی از صدور مجوز امتناع کرده یا مدت زیادی کارفرمایان را معطل نگهدارند و تقاضای رشوه کنند. رزاکرمن معتقد است، به هر مأموری منطقه نفوذ به طور مشخص تعریف شده‌ای را که در کنترل انحصاری او باشد، نباید داد بلکه باید حوزه اختیارات او را رقابتی کرد. چنانکه اگر کار ارباب رجوع توسط مأموری به خوبی انجام نشد، بتواند به مأمور دیگری رجوع کند. زمانی که تباری مأمورین دولتی مشکل باشد. رقابت می‌تواند سطح رشوه را به صفر برساند [۲۳]. محدودیت آزادی اقتصادی در زمینه امور مالیاتی و گمرکی و نرخ‌های مالیاتی بیش از حد، قدرت بیش از حد دولت و انحصارات دولتی در فعالیت‌های مرتبط با صدور مجوزها و امتیازهای لازم برای فعالیت‌های مختلف، فقدان شفافیت عمومی در عملکرد دولت، اختیارات خودسرانه گسترده و قدرت انحصاری مقامات دولتی سبب افزایش فساد مالی می‌گردد. موضوع با اهمیتی که در اینجا خود نمایی می‌کند، این است که اندازه و مداخله دولت به تنهایی نمی‌تواند عامل اثرگذاری در فساد مالی باشد، برای مثال اگر چه در کشورهایی مانند سوئد، دانمارک و نروژ اندازه دولت بسیار بزرگ است، ولی میزان فساد مالی در این کشورها بسیار پایین است، نکته اساسی اینجاست که مداخله دولت هنگامی سبب افزایش فساد مالی می‌شود که دولت در ساز و کار بازار اختلال ایجاد کند و صف و بازار سیاه رواج پیدا کند. [۸]

از دیگر عوامل مؤثر بر فساد مالی، محدودیت‌های مربوط به تجارت است، که در شاخص آزادی اقتصادی به روشنی به آن اشاره شده است. اگر واردات کالاهای مهم مشروط به محدودیت زیادی باشد، مجوزهای لازم برای واردات، بسیار با ارزش می‌شود و برخی واردکنندگان و دست‌اندرکاران بازرگانی خارجی را به فساد مالی ترغیب می‌کنند. از سوی دیگر این محدودیت‌های تجاری، ریشه انحصار در صنایع داخلی شده و صنعتگران داخلی برای ایجاد و حفظ آن انحصار، تعرفه‌های بالایی بر واردات تحمیل خواهند کرد [۲۷]. از دیگر عوامل مؤثر بر فساد مالی، وجود حقوق گمرکی است که نتیجه آن قاچاق کالاها است. از آنجا که معمولاً گمرک فرآیندی پرهزینه و پیچیده بر سر راه واردات قانونی کالا است، سبب کاهش آزادی اقتصادی و افزایش فساد مالی می‌گردد. گری بکر با توجه به تحلیل کلاسیک جلوگیری از جرم، معتقد است که مجازات‌ها نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جرم دارد و افزایش مجازات‌ها باعث کاهش فساد مالی می‌شود. بنابراین قوانین جزایی و کیفری، ساختار قانونی قوی و وجود دادگاه‌های مستقل عوامل مهمی در تعیین دامنه فساد مالی هستند. همچنین نبود شفافیت در قواعد و فرآیندها، زمینه‌های مساعدی برای فساد مالی ایجاد می‌کند. توجه به نوع و شدت مقررات اعتبار، کار و تجارت در شاخص آزادی اقتصادی از دیگر متغیرهای اثرگذار آزادی اقتصادی بر فساد مالی است.

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با آزادی اقتصادی و فساد مالی علی‌رغم اینکه در مطالعات و پژوهش‌های خارجی تحقیقات زیادی انجام شده است، اما در مطالعات داخلی تحقیقات بسیار کمی انجام شده است. در زیر به خلاصه نتایج برخی از آنها اشاره می‌شود: پیرونی و اگوستینو در سال ۲۰۱۲ در بررسی رابطه فساد و اثرات آزادی اقتصادی، نشان دادند که دامنه اثرات آزادی اقتصادی بر فساد به‌وسیله درجه توسعه یافتگی یک کشور شناسایی می‌شود. همچنین توضیح دادند که چرا نبود سیاست‌های رقابتی و مقررات دولتی می‌تواند به فساد بیشتر منجر شود [۲۹]. در سال ۲۰۱۲ نیکولاس اپریس و همکاران به بررسی زندگی آزاد یا با رشوه

پرداختند و علت پویایی بین آزادی اقتصادی و فساد در استان‌های ایالات متحده را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مدل تصحیح خطای تابلویی نشان داد که در بلندمدت آزادی اقتصادی با درآمد سرانه و آموزش رابطه منفی داشته و روی فساد نیز اثر منفی معنی‌داری دارد، درحالی‌که روی نابرابری درآمد یک اثر مثبت و معنی‌دار دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که یک علیت دو طرفه بین آزادی اقتصادی و فساد در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود دارد [۳۰]. مورات کنیزین و فیلیپ آندریوس در بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و حکمرانی، آزادی اقتصادی و ادراک فساد در کشورهای اتحادیه شوروی سابق (FSU)، به این نتیجه رسیدند که ارتباط بین سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و سه شاخص مرتبط که بترتیب عبارتند از حکمرانی، آزادی اقتصادی و ادراک فساد به اندازه زیادی مثبت و معنی‌دار است [۳۱]. همچنین گراف و مهلکوپ در مقاله‌ای به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی پرداخته‌اند. آنها هفت زیر بخش برای شاخص آزادی اقتصادی در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از: ۱- اندازه دولت، ۲- ساختار اقتصادی مبتنی بر نظام بازار، ۳- سیاست پولی و ثبات قیمت‌ها، ۴- آزادی ورود و خروج ارز، ۵- ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، ۶- آزادی تجارت و ۷- آزادی مبادله در بازارهای سرمایه و مالی. گراف و مهلکوپ اثر این متغیرها را بر فساد مالی، در دو دسته کشورهای فقیر و ثروتمند به صورت داده‌های مقطعی از روش OLS برآورد کردند و به این نتیجه رسیدند که در کشورهای فقیر متغیرهای آزادی ورود و خروج ارز و آزادی مبادله در بازارهای مالی و سرمایه، اثر منفی و معنی‌داری بر فساد مالی دارند و در کشورهای ثروتمند متغیرهای اندازه دولت، ساختار قضایی و امنیت مالکیت [۳۲]. در سال ۲۰۰۰ نیز الجاندرو، چافون و گازمن، در مقاله‌ای به مطالعه و بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی پرداختند. این مطالعه طی یک دوره ۲۰ ساله ۱۹۹۵-۱۹۷۵ برای ۱۰ کشور صورت گرفته که نتایج، بیانگر اثر منفی آزادی اقتصادی بر فساد مالی است [۳۳]. همچنین مطالعات شریلی و همکاران، شربانی ساها و همکاران، آدس ودی تلا، آلیسا و ودر، وی، پائولو مائورو و روز-آکرم نیز نمونه‌ای از این مطالعات هستند. در

داخل کشور نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تحقیق انجام شده توسط سامتی و همکاران در سال ۱۳۸۵، برای بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی، نشان داده‌اند که سلب آزادی اقتصادی از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه ساز گسترش فساد مالی در سطح خرد (فساد اداری) و در سطح کلان (فساد سیاسی) است. نتایج برآوردهای تجربی که با کمک روش داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور و طی دوره چهار ساله (۲۰۰۰-۲۰۰۳) انجام شده است، بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت؛ پول سالم؛ آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر بی‌معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین علیزاده و فانی در سال ۱۳۸۶، در بررسی تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع، به تحلیل اطلاعات ۸۶ کشور که از طریق نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند برگزیده شده‌اند، پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که فساد تأثیر معنی‌داری بر کاهش توسعه انسانی دارد و با اجزای آن به ویژه در کشورهای در حال توسعه ارتباط منفی دارد. محققین، منشور اخلاقیات سازمانی را به عنوان یکی از راهکارهای عمده برای کاهش فساد اداری، به ویژه در جوامعی که دارای نظام‌های ارزشی و اعتقادی فراگیر می‌باشند، معرفی می‌کنند [۳۴]. صباحی و ملک الساداتی در سال ۱۳۸۶ به بررسی اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی، در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان و در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان داد که کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای دارای درآمد متوسط و بالا مثبت و برای کشورهای کم درآمد اثری منفی دارد [۳۵].

۳. روش تحقیق و ارائه مدل

روش تحقیق در مقاله حاضر از نوع تحلیلی توصیفی می‌باشد. نوع تحقیق از نوع کتابخانه‌ای بوده و ابتدا شاخص‌های آزادی اقتصادی و سپس شاخص آزادی کشورهای در حال توسعه منتخب جهان و منطقه حجم جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهد.

اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این تحقیق از آخرین آمار و اطلاعات موجود در سازمان‌های بین‌المللی که در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است، استفاده می‌شود. در این مقاله برای بررسی تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر فساد مالی در ایران و کشورهای در حال توسعه منتخب جهان از مدل‌های خاصی استفاده می‌شود که در ادامه به تشریح و معرفی این مدل‌ها می‌پردازیم. در این تحقیق برای آزمون از روش‌های حداقل مربعات معمولی (OLS) [۳۶] و داده‌های تابلویی [۳۷] استفاده شده است. ابتدا تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی را بر فساد مالی برای ایران در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ (با توجه به اطلاعات موجود) آزمون می‌کنیم. این محدودیت نیز بدلیل محدود بودن آمارهای مربوط به فساد مالی برای ایران است که از سال ۲۰۰۳ به بعد موجود است. سپس تأثیر شاخص کل آزادی اقتصادی را بر فساد مالی برای کشورهای در حال توسعه منتخب جهان در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ آزمون می‌کنیم.

۳-۱. تصریح مدل

با توجه به ادبیات بیان شده در خصوص عوامل مؤثر بر فساد مالی و اثر گذاری شاخص‌های آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج بر این عوامل و همچنین با در نظر گرفتن تحقیقات قبلی از جمله گراف و مهلکوپ (۲۰۰۲)، آلباندرو، چافون و گازمن (۲۰۰۳) و سامتی و همکاران (۱۳۸۵) این مقاله سه مدل برای بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی ارائه داده است. در این مدل‌ها عوامل مؤثر بر فساد مالی از نظرات تانزی، مائور و پاساس در نظر گرفته شده و آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج با توجه به تحلیل‌های عنوان شده و جدول (۱) به شاخص جایگزین [۳۸] عوامل مؤثر بر فساد مالی مورد استفاده قرار گرفته است. در مدل اول، فساد مالی تابعی از پنج بخش اصلی آزادی اقتصادی است، که با توجه به مطالعات گذشته از اهمیت بالاتری برخوردار بوده‌اند، این شاخص‌ها عبارتند از: آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، اندازه دولت، آزادی پولی و آزادی بازار مالی. مدل مورد نظرنیز به صورت زیر است:

$$CPI = f(BF, TF, GS, MF, FMF) \quad (10)$$

شاخص آزادی بازار مالی (FMF) در طول سال‌های مورد مطالعه ثابت می‌باشد، در نتیجه برای انجام تخمین و بهبود برآورد، شاخص مورد نظر را از مدل کنار می‌گذاریم. قبل از انجام هرگونه آزمون، در جدول (۲)، نتایج مربوط به ضریب همبستگی دو به دوی متغیرهای مدل اول آورده شده است. همان گونه که در جدول مشاهده می‌شود، متغیرهای آزادی کسب و کار و آزادی تجاری همبستگی بالایی (۰/۹۶) دارند و کمترین ضریب همبستگی نیز به اندازه دولت و آزادی پولی (۰/۳) مربوط می‌شود. هرچند که ضریب همبستگی، اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار می‌دهد؛ اما ابزار قوی محسوب نمی‌شود. به این منظور با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تأثیر متغیرهای آزادی اقتصادی را بر روی شاخص فساد مالی تخمین می‌زنیم.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای

گروه اول

مدل اول	CPI	BF	TF	GS	MF
CPI	۱/۰۰	-۰/۷۷	۰/۶۴	-۰/۵۴	-۰/۶۷
BF		۱/۰۰	-۰/۹۶	-۰/۶۴	-۰/۵۸
TF			۱/۰۰	۰/۴۹	۰/۳۹
GS				۱/۰۰	۰/۳۰
MF					۱/۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد نشان می‌دهد که در ایران آزادی کسب و کار اثر منفی بر افزایش درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هرچقدر توانایی خلق، اجرا (راه‌انداختن) و پایان دادن به یک حرفه به راحتی و آسانی باشد، فساد مالی بیشتر خواهد بود. [۳۹] آزادی تجاری نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هر چقدر متوسط وزنی تعرفه‌ها و محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای کمتر باشد، وجود فساد نیز کمتر خواهد بود. اندازه دولت نیز اثر منفی و معنی‌داری بر درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هر چقدر مخارج دولت چه در زمینه هزینه‌های مصرفی و چه در خصوص پرداخت‌های انتقالی کمتر باشد، وجود فساد نیز کمتر خواهد بود. آزادی پولی

$$CPI = \beta_0 + \beta_1 BF_{it} + \beta_2 TF_{it} + \beta_3 GS_{it} + \beta_4 MF_{it} + \beta_5 FMC_{it} + \epsilon_{it} \quad (11)$$

که در آن، CPI درجه فساد مالی بر اساس شاخص سازمان شفافیت مالی، BF آزادی کسب و کار، TF آزادی تجاری، GS اندازه دولت، MF آزادی پولی، FMF آزادی بازار مالی می‌باشد. در مدل دوم فساد مالی تابعی از پنج بخش دیگر آزادی اقتصادی است، که با توجه به مطالعات گذشته از اهمیت کمتری نسبت به پنج شاخص عنوان شده در مدل یک برخوردار بوده‌اند، این شاخص‌ها عبارتند از: آزادی مالی، آزادی سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت، آزادی از فساد و آزادی (نیروی) کار، مدل مورد نظرنیز به صورت زیر است:

$$CPI = f(FF, IF, PR, FFC, LF) \quad (12)$$

$$CPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 FF_{it} + \beta_2 TF_{it} + \beta_3 PR_{it} + \beta_4 FFC_{it} + \beta_5 LF_{it} + \epsilon_{it} \quad (13)$$

که در آن، CPI درجه فساد مالی بر اساس شاخص سازمان شفافیت مالی، FF آزادی مالی، IF آزادی سرمایه‌گذاری، PR حقوق مالکیت، FFC آزادی از فساد، LF آزادی (نیروی) کار می‌باشد.

مدل سوم نیز به بررسی اثر کل شاخص آزادی اقتصادی بر فساد مالی در کشورهای در حال توسعه منتخب جهان می‌پردازد. مدل مورد نظر به صورت زیر است:

$$CPI = f(EFI) \quad (14)$$

$$CPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 EFI_{it} + \epsilon_{it} \quad (15)$$

که در آن EFI (Economic Freedom Index)، مقدار کل شاخص آزادی اقتصادی می‌باشد.

۴. تحلیل یافته‌های تحقیق

در این مقاله، سه الگو با استفاده از رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) و داده‌های تابلویی برآورد شده است. برای ایران طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۱ و برای ۳۳ کشور در حال توسعه منتخب جهان نیز طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۱، انجام شده است. نتایج تخمین این سه مدل در جدول (۴) آمده است. نتایج برآورد درالگوی اول: با توجه به داده‌های موجود مقدار

وجود فساد نیز کمتر خواهد بود. آزادی از فساد نیز اثر منفی بر درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هر چقدر فساد اداری در فضای کسب و کار کمتر باشد، وجود فساد نیز کمتر خواهد بود. آزادی نیروی کار اثر منفی و معنی‌داری بر درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هر چقدر افراد و مشاغل در تعامل با دولت آزادتر و با حداقل محدودیت‌ها مواجه باشند بدتر است، زیرا که موجب افزایش فساد مالی خواهد شد. درجه توضیح دهنده مدل نیز ۷۰ درصد است که مقدار مناسبی می‌باشد.

جدول ۴- نتایج تخمین سه الگوی (۱)، (۲) و (۳)

متغیرهای مستقل	الگوی اول	الگوی دوم	الگوی سوم
آزادی کسب و کار (BF)	-۰/۰۹۳ (-۱/۳۸)	-	-
آزادی تجارت (TF)	۰/۶۱۰ (۱/۱۹)	-	-
آزادی مالی (مالیاتی) (FF)	-	۲/۸۸۲ (۲/۰۷)	-
اندازه دولت (GS)	-۰/۰۲۷ (-۰/۸۷)	-	-
آزادی پولی (MF)	-۰/۰۴۷ (-۰/۵۶)	-	-
آزادی سرمایه‌گذاری (IF)	-	۰/۰۳۹ (۱/۷۸)	-
آزادی بازار مالی (FMF)	-	-	-
حقوق مالکیت (PR)	-	-	-
آزادی از فساد (FFC)	-	-۰/۰۰۵ (-۱/۳۴)	-
آزادی نیروی کار (LF)	-	-۰/۰۲۲ (-۱/۰۳)	-
کل شاخص آزادی اقتصادی (EFI)	-	-	۰/۰۳۲ (۴/۷۵)
R2	۰/۷۳۵	۰/۶۹۹	۰/۹۹۵
آزمون F لیمر	-	-	۵۶/۷۹۷
آزمون هاسمن	-	-	۶۶/۰۳

منبع: یافته‌های تحقیق (اعداد داخل پرانتز بیانگر مقادیر آزمون آستودنت می‌باشند)

نتایج برآورد در الگوی سوم نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۵ درصد، مقدار F لیمر (۵۶/۷۹۷) بزرگتر از F جدول می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر مبنی بر داده‌های ترکیبی (Pooling) بودن داده‌ها (برابری عرض از مبدأ) رد می‌شود. در نتیجه با انجام آزمون هاسمن برای انتخاب الگوهای اثرات ثابت [۴۰] یا اثرات تصادفی [۴۱] به این نتیجه می‌رسیم که فرض صفر مبنی بر انتخاب الگوی اثرات تصادفی رد شده و الگوی اثرات ثابت انتخاب می‌شود. درجه توضیح دهنده مدل نیز ۹۹

اثر منفی بر درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هر چقدر تورم و سیاست‌های کنترل قیمت کمتر باشد، وجود فساد نیز کمتر خواهد بود. درجه توضیح دهنده مدل نیز ۷۳ درصد است که مقدار مناسبی می‌باشد.

نتایج برآورد در الگوی دوم: با توجه به داده‌های موجود مقدار شاخص حقوق مالکیت (PR) در طول سال‌های مورد مطالعه ثابت می‌باشد، در نتیجه برای انجام تخمین و بهبود برآورد، شاخص مورد نظر را از مدل کنار می‌گذاریم. قبل از انجام هرگونه آزمون، در جدول (۳)، نتایج مربوط به ضریب همبستگی دو به دوی متغیرهای مدل دوم آورده شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، متغیرهای آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی (نیروی) کار همبستگی بالایی (۰/۸۶) دارند و کمترین ضریب همبستگی نیز به آزادی مالی و آزادی (نیروی) کار (۰/۳۳) مربوط می‌شود. هرچند که ضریب همبستگی، اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار می‌دهد؛ اما ابزار قوی محسوب نمی‌شود. به این منظور با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تأثیر متغیرهای آزادی اقتصادی را بر روی شاخص فساد مالی تخمین می‌زنیم.

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین متغیرهای

گروه دوم

مدل دوم	CPI	FF	IF	FFC	LF
CPI	۱/۰۰	۰/۶۹	۰/۵۴	۰/۴۲	۰/۴۱
FF		۱/۰۰	۰/۴۲	۰/۶۲	۰/۳۳
IF			۱/۰۰	۰/۷۴	۰/۸۷
FFC				۱/۰۰	۰/۴۷
LF					۱/۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد در الگوی دوم نیز حاکی از این است که آزادی مالی (مالیاتی) اثر مثبتی بر افزایش درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هرچقدر بار مالیاتی ناشی از انواع مختلف مالیات بر درآمد کمتر (آزادی مالی بیشتر) باشد، فساد مالی کمتر (درجه شاخص فساد بیشتر) خواهد بود. آزادی سرمایه‌گذاری نیز اثر مثبت بر درجه فساد مالی دارد، که می‌توان نتیجه گرفت: هر چقدر آزادی جریان سرمایه به‌ویژه سرمایه خارجی بیشتر باشد،

خصوصاً قوه قضائیه و پلیس‌های مبارزه با فساد مالی و جرایم اقتصادی موجب کاهش فساد و رونق اقتصادی گردد.

پی‌نوشت

1. Transparency International.
2. Corruption Perception Index.
3. Economic Freedom Index.

۴. میرجلیلی، ۱۳۸۱.

5. Heritage Foundation.

۶. جانسون، ۱۳۷۹.

7. Gwarteny, 2005.

۸. سامی و همکاران، ۱۳۸۵.

9. Personal Choice.
10. Business Freedom.
11. Trade Freedom.
12. Fiscal Freedom.
13. Government Size.
14. Monetary Freedom.
15. Investment Freedom.
16. Financial Freedom.
17. Property Rights.
18. Freedom From Corruption.
19. Labor Freedom.

۲۰. برای کسب اطلاعات بیشتر به آدرس‌های زیر مراجعه شود:

www.Heritage.Org, www.freetheworld.com,
www.Transparency.org

۲۱. اطلاعات جدول: در اینجا، بدلیل کمبود جا در جدول از

مخفف‌های لاتین استفاده شده است که شرح آنها به صورت

زیر است: که در آن، (Economic Freedom Index) EFI:

مقدار شاخص آزادی اقتصادی کل، (Business Freedom) BF:

آزادی کسب و کار، (Trade Freedom) TF:

آزادی تجاری، (Fiscal Freedom) FF: آزادی مالی،

(Government Size) GS: اندازه دولت، (Monetary Freedom) MF:

آزادی پولی، (Investment Freedom) IF: آزادی

سرمایه‌گذاری، (Financial Market Freedom) FMF: آزادی

بازار مالی، (Property Rights) PR: حقوق مالکیت،

(Freedom From Corruption) FFC: آزادی از فساد،

(Labor Freedom) LF: آزادی (نیروی) کار می‌باشد.

درصد می‌باشد. نتایج برآورد در الگوی سوم نیز حاکی از این است که شاخص کل آزادی اقتصادی اثر مثبت و معنی‌داری بر درجه فساد مالی در این کشورها دارد. به عبارتی هرچه آزادی اقتصادی یک کشور بیشتر باشد، درجه شاخص فساد مالی بیشتر یا میزان فساد مالی در آن کشور کمتر است.

جمع‌بندی و ملاحظات

این مقاله به بررسی اثرات شاخص‌های آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج بر فساد مالی در ایران و سپس کشورهای در حال توسعه منتخب جهان تحت سه الگو با رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) و داده‌های تابلویی پرداخته است. نتایج الگوهای اول و دوم بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار آزادی کسب و کار، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی از فساد و آزادی نیروی کار بر فساد مالی و اثر منفی و معنی‌دار آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی (مالیاتی) بر فساد مالی در ایران دارد. همچنین نتایج الگوی سوم نشان می‌دهد که در بین کشورهای در حال توسعه منتخب جهان شاخص کل آزادی اقتصادی اثر منفی و معنی‌داری بر فساد مالی در این کشورها دارد. پیشنهاد می‌شود دولت به منظور افزایش کارایی و رشد اقتصادی بیشتر، فعالیت‌هایی را که دست و پا گیر بوده و در اختیار دولت است، طبق اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی واگذار نماید. همچنین از آنجایی که ثابت شده است، بیشتر مشکلات اقتصادی و بحران‌های بزرگ از آزادی بدون کنترل است. در نتیجه بهتر است دولت به تشویق بخش غیر دولتی بپردازد، هر چند این به آن معنی نیست که دولت کنار گذاشته شود بلکه دولت از حالت مداخله اقتصادی و انجام کارها توسط خودش کنار رفته و به کار نظارتی بپردازد. همچنین از طرفی به دلیل پیچیدگی‌های بیش از حد قوانین و تفسیرهای نامساعد در کشورهای در حال توسعه، فساد می‌تواند موجب روغن کاری چرخ‌های اقتصاد و ایجاد رونق اقتصادی گردد. بنابراین بهتر است از سویی شفافیت کارها را افزایش و از پیچیدگی‌ها کم کنیم و از سوی دیگر با نظارت بیشتر دولت و اهمیت بیشتر دادن به نهادهای مبارزه با فساد و

سامتی و همکاران، بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی (در ۷۳ کشور جهان)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۸۷-۱۰۵، ۱۳۸۵.

شهنازی، روح اله، تأثیر آزاد سازی اقتصادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه (بررسی مقایسه‌ای بین کشورهای منتخب)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.

صباحی، احمد و سعید ملک الساداتی، اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۸۸، ۱۳۱-۱۵۸، ۱۳۸۸.

علیزاده و فانی، تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۲۰۱، صص ۱۷-۲۴، ۱۳۸۶.

میر جلیلی، سید حسین ۱۳۸۱، فساد و اصلاحات اقتصادی در ایران. دومین همایش دو سالانه اقتصاد ایران (اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی). پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

Ades, A. Di Tella, R. (1997). The New Economics of Corruption: a Survey and Some New Results. In: Heywood, P. (ED), *Political Corruption*. Blackwell, Oxford, pp. 80-100.

Alejandro, A. Chafuen and Eugenio Guzman. *Index of Economic Freedom*. [Http://www.Heritage.org/research/Features/Index/Chapters/pdfs/Index 2000 Chap3.pdf](http://www.Heritage.org/research/Features/Index/Chapters/pdfs/Index%2000%20Chap3.pdf), 2000.

Alesina, Alberto and Beatrice Weder. Do Corrupt Governments Receive Less Foreign Aid? , *NBER Working Paper NO.7108*, 1999.

Graeff, P. and Mehlkop, G. The Impact of Economic Freedom on Corruption: Different Patterns for Rich and Poor Countries. *European Journal of Political Economic*, Vol.19, pp.605- 620, 2003.

Gwartney, J., Lawson, R. and Samida, D. *Economic Freedom of the World 2005 Annual Report*. The Fraser Institute. Vancouver, 2005.

Hongyi li, Lixin Colin Xu and Heng-Fu Zou. Corruption, Income Distribution, and Growth. *Economics and Politics*, vol.12, issue2, pp.155-182, 2000.

23. Rose Ackerman, 1978.

24. Shleifer and Vishny, 1993.

25. Hongyi, Colin & Zou, 2000.

26. Tanzi, 1998.

27. Mauro, 1998.

28. Passas, 1999.

29. Pieroni, Agostino, 2012.

30. Nicholas, 2012.

31. Murat, Andrews, 2008.

32. Graef and Mehlkop, 2003.

33. Alejandro, 2000.

۳۴. علیزاده و فانی، ۱۳۸۶.

۳۵. صباحی و ملک السادات، ۱۳۸۶.

۳۶. برای توضیح بیشتر به کتاب اقتصاد سنجی نوشته دمودار گجراتی، ترجمه حمید ابریشمی، ۱۳۸۸ و کتاب اقتصاد سنجی به زبان ساده نوشته احمد جعفری صمیمی، ۱۳۷۸ مراجعه شود.

۳۷. برای توضیح بیشتر به کتاب اقتصاد سنجی پانل دیتا، نادر مهرگان و سید حمید رضا اشرف زاده، ۱۳۸۷ مراجعه شود.

38. Proxy.

۳۹. پیش‌تر نیز عنوان کردیم که هر چه شاخص فساد مالی (CPI) در یک کشور بالاتر باشد، نشان از وجود میزان فساد کمتر در آن کشور است. یعنی در اینجا هرچه آزادی کسب و کار بیشتر باشد، شاخص فساد کمتر (یا وجود میزان فساد بیشتر) خواهد بود.

40. Fix Effect.

41. Random Effect.

منابع

جانسون، بریان، هولمز، کیم، پاتریک، ملانی کرک، شاخص آزادی اقتصادی سال ۱۹۹۹. ترجمه و تلخیص: امین، محمد ابراهیم. مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۸، ۱۳۴-۱۰۵، ۱۳۷۹. رهبر، فرهاد، فضل اله میرزاوند و غلامرضا زال پور، بازشناسی عارضه فساد مالی (ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی)، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، چاپ اول، جلد یکم، ۱۳۸۱.

- Rose-Ackerman, Susan. *Corruption: A Study in Political Economy*, New York: Academic Press, 1978.
- Rose-Ackerman, Susan. *Corruption and Global Economy. Corruption and Integrity Improvement Initiatives in Developing Countries*, 1999.
- Sharbani Saha., Rukmani Gounder., Jen-Je, Su. The Interaction Effect of Economic Freedom and Democracy on Corruption: A Panel Cross-Country Analysis. *Journal of Economics Letters*, No 105, pp 173-176, 2009.
- Sherrily M. Billger, Rajeev K.Goel. Do Existing Corruption Levels Matter in Controlling Corruption? Cross-Country Quantile Regression Estimates. *Journal of Development Economics*. No90. Pp 299-305, 2009.
- Shleifer, A. and R. Vishny, *Corruption*, *Quarterly Journal of Economics* 108, pp.599-617,1993.
- Tanzi,V, *Corruption around the world: Quarterly Journal of Economics* 108, pp.599-617, 1998.
- Mauro, Paolo, *Corruption and the Composition of Government Expenditure. Journal of Public Economics*, vol. 69, issue 2, pp.263-279, 1998.
- Murat M. Kenisarin , Philip Andrews-Speed, " Foreign Direct Investment in Countries of the Former Soviet Union: Relationship to Governance, Economic Freedom and Corruption Perception", Elsevier, *Communist and Post-Communist Studies* 41 (2008) 301e316, 2008.
- Nicholas Apergis , Oguzhan C.Dincer, James E. Payne, " Live Free or Bribe: On the Causal Dynamics Between Economic Freedom and Corruption in U.S. States", *European Journal of Political Economy* 28 (2012) 215° 226, 2011.
- Passas, Nikos, *Causes and Consequences of Corruption. 8th International Anti Corruption Conference*, 1999.
- Pieroni, L., Agostino, G. "Corruption and the Effects of Economic Freedom", *European Journal of Political Economy*, dio: 10.1016/j.ejpoleco. 2012.08.02, 2012.

